

اسپاما (اطلاع رسانی سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران)  
تاریخ ۲/۱۱/۸۱

«نکاتی چند پیرامون فرهنگ تحزب»  
مقاله ای از: رامین ناصح  
jm\_ahwaz@yahoo.com

رشد احزاب سیاسی در ایران، طی سالهای اخیر روند مثبت و چشمگیری داشته است. به طوری که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ به طور متوسط در هر سال دو حزب تشکیل شد، حال آنکه که تنها در سال ۷۷، ۴۱ حزب به وجود آمده است. این آمار را میتوان دلیلی بر تکاپوی جامعه جوان و فعال ایران تلقی نمود. ولی واقعیت آنست که «فرهنگ تحزب» هنوز چنانکه شایسته و بایسته است، در جامعه ما رشد نیافته و نهادینه نشده است و بر دست اندرکاران رسانههای گروهی و خصوصاً روزنامه نگاران متعهد فرض است که در راستای این مهم گامهای مؤثری را بردارند.

فرهنگ تحزب مقوله بحث انگیز و پردامنه‌ای است و در یادداشت حاضر صرفاً برخی نکات ضروری را که پیرامون فرهنگ تحزب بایستی مورد توجه قرار گیرد، برمی‌شماریم:

۱. رشد و پیشرفت جامعه تنها در پرتو «مشارکت ملی» میسر است و مشارکت ملی نیز تنها در گرو «تعهد ملی» است. شکل آرمانی مشارکت ملی اینست که جامعه بدان درجه از ارتقاء فرهنگی دست پیدا کند که یکایک افراد آن با احساس تعهد ملی، به مشارکت در عرصه سیاسی کشور برخیزند. با تنوعی که در میان احزاب سیاسی ایران وجود دارد و وسعت حوزه انتخابی که برای مردم پدید آورده است، این امر بدور از ذهن نیست. امروز در جوامع مدرن و توسعه یافته، معمول و مرسوم است که هر فرد با یا ثبت نام در یک حزب و پرداخت وجه عضویت ماهیانه آن -که غالباً مبلغی جزئی است- و مطالعه نشریه حزب، به سهم خود در رشد و پیشرفت و بالندگی و خودشکوفایی جامعه نقش آفرین باشد. عضویت عادی در یک حزب، حداقل نقشی است که افراد میتوانند در توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند. و این امر بدون آنکه صرف وقت و هزینه چندانی را بر فرد تحمیل کند، برای همگان میسر است.

باید توجه داشت رشد مشارکت ملی تنها در سایه رفیع «سیاست زدگی» و نهادینه شدن «تعهد ملی» ممکن و میسر است.

۲. بنیانگذاری احزاب بر اساس یک «تفکر» و «اندیشه» در جهت رشد و پیشرفت ملت جزء اصول است. و تشکیل حزب بر پایه سایر مؤلفهها عدول از این اصل شمرده میشود. احزاب قومی (مانند لجنه الوفاق) یا احزابی که بر پایه منافع اقتصادی مشترک بنیان نهاده شده‌اند (چون حزب کارگزاران) و یا جمعیت‌هایی که بر اساس روابط شخصی و دوستیها پایه گذاری میشوند، اولاً بندرت پایدار هستند، و ثانیاً نمیتوانند در جهت «مصلح و منافع ملی» اتخاذ موضع و یا عمل نمایند. چرا که صرفاً منافع قشر خاصی از ملت را در نظر میگیرند و از آن دفاع میکنند، که خود عاملی بر ایجاد شکاف میان آحاد ملت بشمار میرود.

حتی دخالت بیش از اندازه سازمانهای صنفی در سیاست نیز چندان مطلوب نبوده و به نوعی، تضعیف کننده نظام حزبی است و مناسبتر بنظر میرسد

که اینگونه سازمانها وجه همّت خود را معطوف به برنامهها و اهداف صنفی نمایند. که البته این امر به هیچ وجه بمعنای نفی فلسفه وجودی انجمنهای صنفی و سندیکاها نیست، بلکه صرفاً سازمانهای صنفی-سیاسی را منظور نظر دارد.

يك حزب ریشه دار، مدرن و کارآمد، تنها بر اساس تفکر و اندیشه شکل میگیرد و نماینده يك ایدئولوژی و منش خاص است.

۳. هر حزب و سازمان سیاسی نماینده نوعی طرز تفکر و منش خاص در جامعه است. هنگامیکه این تنوعها بتوانند در فضایی آزاد با یکدیگر تضارب آراء داشته باشند، از یکسو شاهد اصلاح و رشد تفکرات و برنامههای احزاب خواهیم بود و از سوی دیگر برآیند این تفکرات و برنامهها، تبدیل به برنامههای پخته و کارآمد برای يك ملت در مقطعی از زمان میگردد. این امر در سایه تکثر گرایی و پلورالیسم سیاسی و تحمل و برسمیت شناختن احزاب مخالف امکانپذیر است. ایجاد چنین فضایی، از وظایف مهم دولت بشمار میرود.

۴. تکثر و تنوع در عرصه سیاسی، امری مطلوب و سازنده است، مشروط بر اینکه این کثرت در عین «وحدت» باشد. یعنی همه احزاب در راستای پاسداری از حقوق و مصالح و منافع مردم و سرافرازی ملت در جهان ملتها وحدت و وفاق داشته باشند، ولی بتوانند آزادانه عقاید و برنامههای مختلف خود را در این راستا بیان کنند.

۵. از موضوعات بحث انگیز پیرامون احزاب، مسئلة كمك مالي گرفتن آنها از دولت است، و اینکه این امر تا چه حد میتواند در تقویت یا تضعیف نظام حزبی مؤثر باشد و تا چه اندازه منطبق با منافع ملی و تضمین کننده رشد و پیشرفت ملت است؟

موافقان این امر از آنجا که فعالیت حزبی مستلزم صرف هزینه مالی هنگفتی میباشد، دریافت كمك مالي از دولت را مثبت می‌شمارند. ولی نگارنده این امر را به هیچ عنوان منطبق با منافع ملی ارزیابی نمیکند. از آنجا که وظیفه مهم احزاب، «نقد قدرت» و بررسی و اظهار نظر پیرامون مواضع و عملکرد دولت میباشد، كمك مالي گرفتن احزاب از دولت، بدان روی که احزاب را عملاً وابسته به دولت میکند و عرصه مانور آنان را در نقد قدرت تحدید مینماید، بیش از آنکه موجب تقویت نظام حزبی گردد، به تضعیف آن میانجامد.

تنها منابع درآمد سالم برای احزاب، ۱. کمکهای مردمی (وجه پرداختی از سوی اعضا و هواداران حزب) و ۲. کانونهای عملیات انتفاعی (شرکتهای خصوصی وابسته به حزب) میباشند.

۶. در نظامهای دموکراتیک امروزی، احزاب به این نتیجه رسیدهاند که میتوانند با همکاری یکدیگر، در نیل به اهداف و آرمانهای مشترک، موفقتر باشند. لذا در کشورهای توسعه یافته، شاهد رشد یافتن «فرهنگ کار جبهه‌های» هستیم. جبهه‌های سیاسی، سازمانهای گسترده‌ای هستند که بعضاً برای نیل به اهداف مرحله‌ای و معطوف به مسائل مبرم تشکیل میشوند و پس از حصول به نتیجه، خود بخود فلسفه وجودی خویش را از دست داده و تجزیه میشوند. مثلاً در جریان جنگ جهانی دوم در پاره‌ای از کشورهای اروپایی، جبهه‌های ضد فاشیستی شکل گرفتند و جنبشها و نهضت‌های مقاومت را علیه متجاوزین و اذنان داخلی آنان براه انداختند. این جبهه‌ها از احزاب ناهمگنی نظیر سوسیال دموکراتها، لیبرالها و کمونیستها تشکیل شده بود. اما در این نکته اتفاق نظر داشتند که تا دفع متجاوز با یکدیگر تشریک مساعی کنند. تشکیل «جبهه مردمی» (Front populaire) در فرانسه پیش از جنگ جهانی دوم نیز مصداقی از کار جبهه‌های را به نمایش میگذارد. این جبهه برای مبارزات پارلمانی بر ضد دست راستیها با عضویت سه حزب رادیکال سوسیالیست، سوسیالیستها و کمونیستها تشکیل شد. حال آنکه پیش از آن سه حزب با یکدیگر مبارزه میکردند. با نیروی این جبهه، احزاب مذکور در انتخابات اکثریت یافتند و نمایندگان هر سه حزب در دولت شرکت کردند.

جنبش فلسطین نیز شاهد تشکیل جبهه‌های تحریر بود که وظیفه اصلی آن، آزادی سرزمین اشغالی بوده است. بزرگترین سازمانهای فلسطینی (نظیر فتح) خصلت جبهه‌های دارند. در بسیاری از کشورهای افریقایی که نیروهای سیاسی متعددی جنبش استقلال خواهی و ضد استعماری را به انجام میرسانند، پس از تشکیل دولت ملی، کنگره‌های که جامع همه احزاب مبارز است تشکیل میدهند و تلاش میکنند حتی بعد از رسیدن به اهداف مرحله‌ای، انسجام جبهه‌های را حفظ نمایند.

در میهن عزیزمان ایران، جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق شاهدی تاریخی برای سنت کار جبهه‌های را به نمایش میگذارد. این جبهه که از احزاب و سازمانها و شخصیت‌های مستقلی تشکیل شده بود، یکی از اهداف خود را ملی کردن صنعت نفت قرار داد و در این راه توفیقات جالب توجهی نیز کسب نمود.

نهادینه شدن فرهنگ کار جبهه‌های، گامی در جهت تقویت نظام حزبی است. از سوی دیگر، تسلط یک حزب بر حکومت نظام تک حزبی الیگارشیک را پدید میآورد که خود پایه گذار استبداد و خودکامگی است. از اینرو، ضرورت کار جبهه‌های واضح و مبرهن است.

۷. فعالیت حزبی توأم با رقابت با سایر احزاب و ترویج اندیشه خود و نقد یا مقابله با اندیشه‌های مخالف است. برای اینکه این رقابتها سالم بوده و هزینه‌های را به ملت تحمیل نکند، باورمندی و پایبندی همه احزاب - با هر طرز تفکر و بینشی - به «اخلاق سیاسی» یا «سیاست اخلاقی» از ضروریات فرهنگ تحزب است. در یادداشتی دیگر پیرامون مقوله اخلاق سیاسی به تفصیل سخن خواهیم گفت و اصول آنرا برخواهیم شمرد.

آزاد باد ایران